

آغاز نبوت

دکتر منصور پهلوان*

حامد شریعتی نیاسر**

چکیده: دربارهٔ زمان آغاز نبوت پیامبر اسلام ﷺ بین دانشمندان مسلمان، اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای را نظر بر این است که آغاز نبوت پیامبر ﷺ در سنّ چهل سالگی بوده است و بعضی این زمان را از بدو طفولیت و پایان دورهٔ شیرخوارگی می‌دانند. عده‌ای نیز با استناد به حدیث «كُنْتُ نَبِيًّا وَ آدَمُ بَيْنَ الْمَاءِ وَ الطِّينِ»، آغاز نبوت پیامبر ﷺ را قبل از خلقت آدم ﷺ دانسته‌اند. مسئلهٔ این تحقیق آن است که زمان آغاز نبوت پیامبر اکرم ﷺ کی بوده و آیین ایشان قبل از بعثت چه بوده است.

کلید واژه‌ها: رسالت / بعثت / پیامبری / نبی / رسول / پیامبر ﷺ / شقّ صدر.

Email : pahlevan@ut.ac.ir

Email : hshariati.ut.ac.ir

*. استاد دانشگاه تهران.

**. دانشجوی دکتری رشتهٔ علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران.

طرح مسئله

در خصوص زمان آغاز نبوت پیامبر اسلام ﷺ اقوال گوناگونی وجود دارد که هر کدام نتایج و لوازم متفاوتی دارد. برخی گفته‌اند که آغاز نبوت رسول خدا ﷺ از بدو خلقت و حتی قبل از آفرینش آدم بوده است. برخی نیز گفته‌اند که پیامبر از همان بدو تولد و صباوت نبی بوده و به شریعت خود عمل می‌کرده، اما مأمور به تبلیغ نبوده است. برخی نیز آغاز نبوت را مطابق آنچه امروز نیز مشهور است، در سنّ چهل سالگی ایشان دانسته‌اند.

آنچه در این مقاله تحقیق شده، آن است که پیامبر اکرم ﷺ از بدو طفولیت، مؤید به تأییدات الهی بوده، اما نبوت ایشان از سنّ چهل سالگی شروع شده و با ابلاغ آیه «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ» رسالت و دعوت علنی ایشان آغاز شده است بر آیین «الْحَنِيفَةُ الْبَيْضَاء»، یعنی همان دین حضرت ابراهیم علیهِ السلام بوده است.

۱) اقوال مختلف در آغاز نبوت پیامبر اکرم ﷺ

۱-۱) چهل سالگی

برخی را نظر بر این است که بین دو واژه «نبی» و «رسول» تفاوتی نیست و استعمالات قرآنی این دو کلمه مشابه است و هر دو به یک حقیقت اشاره دارند و آن آغاز نبوت رسول مکرم اسلام ﷺ هم‌زمان با بعثت و در سنّ چهل سالگی است. (مطهری، ص ۲۴ و ۳۳ و ۴۵-۴۲؛ سبحانی، *الالهیات علی هدی الكتاب و السنة و العقل*، ج ۲، ص ۶۲۱، خزازی، ص ۱۸۸؛ مجلسی، ج ۱۲، ص ۱۲ و ج ۱۸، ص ۲۶۶) حتی برخی تصریح دارند که اگرچه پیامبر از بدو طفولیت تحت مراقبت‌های الهی بوده و مطابق آنچه امام علی علیهِ السلام در نهج البلاغه، در خطبه قاصعه می‌فرمایند، بزرگ‌ترین فرشته الهی همواره قرین و راهنمای ایشان به راههای فضایل و اخلاق نیکو بود، اما آغاز نبوت رسول مکرم اسلام ﷺ هم‌زمان با بعثت ایشان بوده است. (سبحانی، راز بزرگ رسالت، ص ۲۹۴-۲۹۵ و ۳۰۱-۲۹۹)



در این فرض، مسلم است که پیامبر ﷺ به طور ناگهانی، مورد نزول وحی واقع نگردید و برخلاف گفته عده‌ای (بازرگان، ص ۱۶-۱۸) این‌گونه نبوده است که پیامبر ﷺ از رسالت و نبوت خویش آگاهی نداشته باشد و در غار حراء برای اوّل بار با فرشته وحی روبه‌رو گشته و پس از آن، برای تأیید و حصول اطمینان از صحت مشاهده خود به یک عالم مسیحی متوسّل شده باشد؛ بلکه این آمادگی، طیّ مراحل پدید آمد و در خلوت‌هایی که پیامبر ﷺ در غار حراء داشت، صدای سروش غیبی را می‌شنید، ولی او را نمی‌دید (ابن‌کثیر، ج ۳، ص ۷۱۳) یا صدای فرشته‌ای را می‌شنید که او را «رسول الله» خطاب می‌کرد (ابن‌ابی‌الحدید، ج ۳، ص ۲۰۷) و پس از بعثت، جبرئیل را در حالی که او را رسول الله خطاب می‌کرد، دید (ابن‌شهر آشوب، ج ۱، ص ۴۴) و گاه می‌شد که سنگ و درخت و کوه بر او سلام می‌کردند (ابن‌اثیر، ج ۳، ص ۵)^۱ و رؤیاهای صادقه - که جزئی از نبوت یا نوعی از وحی به شمار می‌آیند - مشاهده می‌کرد و هرچه زمان بعثت نزدیک‌تر می‌شد، مدّت تحنّث در غار حراء و میل به تفکّر و عبادت در او فزونی می‌یافت.

در این فرض، مسلم است که آغاز نبوت از سنّ چهل سالگی، در ماه رجب یا در ماه رمضان است که هریکاز این دو تاریخ شواهد روایی خاصّ خود را دارد.^۲ لذا مطابق این نظر حتّی بر فرض تفاوت لغوی و محتوایی دو واژه نبی و رسول، نبوت پیامبر اسلام هم‌زمان با رسالت ایشان آغاز شده است و تفاوتی به لحاظ زمانی بین این دو امر نیست و این مسئولیت مهم از سن چهل سالگی، بر دوش پیامبر نهاده شده است.

دلیل دیگر معتقدان به آغاز نبوت از چهل سالگی، برخی آیات قرآن (شوری (۴۲) /

۱. قال أبو شامة: وقد كان رسول الله ﷺ يرى عجائب قبل بعثته، فمن ذلك ما في صحيح مسلم عن جابر بن سمرة قال: قال رسول الله ﷺ: «إني لأعرف حجراً كان يسلم عليّ قبل أن أبعث؛ إني لأعرفه الآن». ۲. نک: مجلسی، ج ۱۸، ص ۱۹۰؛ ابن‌هشام، ص ۲۳۹ و ۲۴۰؛ ابن‌سعد، ج ۱، ص ۱۹۴؛ ابن‌کثیر، ج ۱، ص ۳۲۹؛ رهبری، ص ۱۰۰-۱۳۳؛ رسولی محلاتی، ص ۳۰-۳.



۵۲؛ عنكبوت (۲۹) / ۴۸؛ یونس (۱۰) / ۱۶؛ قصص (۲۸) / ۸۶؛ آل عمران (۳) / ۴۴؛ یوسف (۱۲) / ۱۰۲ است که به ظاهر، دلالت دارند که پیامبر ﷺ تا قبل از رسالت، گرچه موحد و یکتاپرست بود، ولی نبی نبود.^۱ (مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج ۷، ص ۶۲ و ۱۶۱) از آن جمله است آیه ﴿وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى﴾ (ضحی (۹۳) / ۷) که بحثها و احتمالات فراوانی در خصوص آن، از سوی مفسران مطرح شده است، (نک: فخر رازی، ج ۳۱، ص ۱۹۷)^۲ که یکی از آنها تفسیر ضلالت و هدایت، به ناآگاهی و آگاهی از اسرار نبوت و قوانین و معارف قرآن است؛ بدین معنا که تو هرگز از این امور آگاه نبودی و خدا بود که این نور را در قلب تو افکند تا با آن انسانها را هدایت کنی. (مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج ۷، ص ۶۲ و ۱۶۱)

بر این نکته، باید افزود که «ضال» در لغت عرب، سه معنای گمراه، گمشده و گمنام دارد (ابن فارس، ج ۳، ص ۳۵۶ و ۳۵۷)^۳ که تفسیر آیه به هر یک از این معانی،

۱. در ادامه پاسخ طرفداران نظریه آغاز نبوت پیامبر ﷺ قبل از چهل سالگی، در استدلال به این آیات خواهد آمد.

۲. فخر رازی در این خصوص می‌گوید: «فاعلم أنَّ بعض الناس ذهب إلى أنه كان كافراً في أول الأمر، ثم هداه الله وجعله نبياً، قال الكلبي: «وَجَدَكَ ضَالًّا» يعني كافراً في قوم ضلال فهداك للتوحيد؛ وقال السدي: كان على دين قومه أربعين سنة؛ وقال مجاهد: وجدك ضالًّا عن الهدى لدينه؛ واحتجوا على ذلك بآيات أخر، منها قوله: ﴿مَا كُنْتُ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ﴾ (شوری (۴۲) / ۲۵) وقوله: ﴿وَإِنْ كُنْتُ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ﴾ (یوسف (۱۲) / ۳۰) وقوله: ﴿لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ﴾ (زمر (۳۹) / ۵۶) فهذا يقتضي صحة ذلك منه، وإذا دلَّت هذه الآية على الصحة وجب حمل قوله: «وَجَدَكَ ضَالًّا» عليه؛ وأما الجمهور من العلماء فقد اتفقوا على أنه ﷺ ما كفر بالله لحظة واحدة. ثم قالت المعتزلة: هذا غير جائز عقلاً لما فيه من التنفير؛ وعند أصحابنا هذا غير ممتنع عقلاً لأنه جائز في العقول أن يكون الشخص كافراً فيرزقه الله الإيمان ويكرمه بالنبوة، إلا أن الدليل السميّ قام على أن هذا الجائر لم يقع وهو قوله تعالى: ﴿مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَى﴾. (نجم (۵۳) / ۲) ثم ذكروا في تفسير هذه الآية وجوهاً كثيرة.

۳. وکلّ جائز عن القصد ضالّ والضلّال والضلالة بمعنى؛ ورجل ضلیل ومضلّل إذا كان صاحب ضلال و باطل؛ ومما يدلّ على أن أصل الضلال ما ذكرناه، قولهم أضلّ الميت إذا دفن؛ وذلك كأنه شيء قد ضاع و يقولون ضلّ اللبن في الماء ثم يقولون استهلك؛ وقال في أضلّ الميت: وآب مضلّوه بعين جلية وغودر بالجوّان حزم و نائل. (صفحه ۳۵۷) قال ابن السكيت: يقال أضللت بعيري إذا ذهب منك و ضللت المسجد والدار إذا لم تهتد لهما وكذلك كل شيء مقيم لا يهتدى له و يقال أرض مضلّة و مضلّة.

خداشه‌ای به ساحت مقدس رسول خدا ﷺ وارد نمی‌آورد و گمراهی مورد اشاره هرگز معادل کفر و شرک و... نیست؛ زیرا این آیه ناظر به دوران کودکی پیامبر ﷺ است و طبعاً انسان در دوران صباوت و کودکی، کمالات دوران جوانی و میانسالی را ندارد.

همچنین اگر ضالّ به معنای گم شده باشد، در این صورت، با در تقدیر گرفتن لفظ «إلى بيتك» پس از «فهداك» (نک: سبحانی، منشور جاوید، ج ۶، ص ۸۸-۹۶) معنای آیه اشاره به دوران کودکی پیامبر دارد که در شعاب مکه، گم شده بود و اگر رحمت الهی شامل حال او نگشته بود، جان خود را از دست می‌داد.

اگر مقصود از ضالّ، گمنام باشد، در این صورت «فهدی» به معنای هدایت پیامبر نیست؛ بلکه منظور هدایت مردم به سوی پیامبر است.^۱ (مجلسی، ج ۱۶، ص ۱۳۸) اینها همگی به این دلیل است که مطابق نقلهای مسلم تاریخی، رسول خدا ﷺ نه تنها به لحاظ عقیده موحد و یکتاپرست بود، بلکه در طول سال، همواره در مواقع خاصی، به تهجد و اعتکاف می‌پرداخت (سیوطی، ج ۱، ص ۵۰ و ۵۱) و نماز می‌خواند و روزه می‌گرفت و حج به جا می‌آورد و از پلیدیهای رایج آن زمان خصوصاً گوشت مردار دوری می‌گزید و در این خصوص، اختلافی بین دانشمندان مسلمان وجود ندارد. (سبحانی، راز بزرگ رسالت، ص ۲۹۴-۲۹۵ و ۲۹۹-۳۰۱)

۲-۱) قبل از چهل سالگی

در این خصوص، دو احتمال داده شده است: یکی آغاز نبوت از بدو طفولیت؛ و دیگری برخورداری پیامبر ﷺ از مقام نبوت حتی قبل از آفرینش آدم. بعثت پیامبران الهی - که برترین و خاتم آنها پیامبر بزرگوار اسلام بوده، مراحل و

۱. اَنَّ المعنى، وجدك مظلوماً عنك في قوم لا يعرفون حقك، فهداهم إلى معرفتك وأرشدهم إلى فضلك، و الاعتراف بصدقك؛ والمراد أنك كنت خاملاً لا تذكر ولا تعرف، فعرفك الله إلى الناس حتى عرفوك عظموك.

درجاتی داشته که یکی از آن مراحل «نبوت» است. این مرحله قبل از مرحله رسالت بوده، مرحله‌ای است که از طریق فرشتگان یا در خواب یا از طریق الهام، به آنها وحی می‌شده و دستورها یا خبرهایی از جانب خدای تعالی به ایشان داده می‌شد، و آنان مأمور به عمل بدان می‌شدند؛ ولی مأمور به ابلاغ و رساندن آنها به دیگران نبودند. در این مرحله، آنها «نبی» بودند نه رسول. کلینی رحمه الله به سند خود از زید شحام روایت کرده است که گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ عَبْدًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَهُ نَبِيًّا وَإِنَّ اللَّهَ اتَّخَذَهُ نَبِيًّا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَهُ رَسُولًا؛ وَإِنَّ اللَّهَ اتَّخَذَهُ رَسُولًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَهُ خَلِيلًا؛ وَإِنَّ اللَّهَ اتَّخَذَهُ خَلِيلًا قَبْلَ أَنْ يَجْعَلَهُ إِمَامًا. فَلَمَّا جَمَعَ لَهُ الْأَشْيَاءَ قَالَ: إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا. (کلینی، ج ۱، ص ۱۷۴-۱۷۹)

به راستی که خدای تعالی ابراهیم را به بندگی خویش برگرفت پیش از آنکه به نبوت برگیرد؛ و خدای تعالی او را به نبوت خویش برگرفت پیش از آنکه به رسالت برگیرد؛ و به رسالت برگرفت پیش از آنکه به دوستی خود برگیرد؛ و به دوستی برگرفت پیش از آنکه به امامت برگیرد. چون همه اینها را برای او گرد آورد، فرمود: «من تو را برای مردم امام قرار دادم.»

همچنین، زراره نقل کرده است: از امام باقر علیه السلام معنای آیه شریفه ﴿وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا﴾ و فرق میان «رسول» و «نبی» را پرسیدم، آن حضرت در پاسخ من فرمود:

النَّبِيُّ الَّذِي يَرَى فِي مَنَامِهِ وَيَسْمَعُ الصَّوْتَ وَلَا يَعَاينَ الْمَلِكَ وَالرَّسُولَ الَّذِي يَسْمَعُ الصَّوْتَ وَيَرَى فِي الْمَنَامِ وَيَعَاينَ الْمَلِكَ... (همانجا)

نبی کسی است که در خواب فرشته را ببیند و صدای او را بشنود، ولی به عیان، فرشته را نبیند. و رسول کسی است که صدا را بشنود و در خواب ببیند و در عیان نیز او را مشاهده کند.

در روایت دیگری، از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

الأنبياء والمرسلون على أربع طبقات: فنبى منبأ في نفسه لا يعدو غيرها؛ و

نبي يري في النوم ويسمع الصوت ولا يعاينه في اليقظه ولم يبعث الى احد...

(همان جا)

انبیاء و رسولان بر چهار طبقه‌اند: «نبی» ای که تنها به او خبر رسیده است و از او به دیگری تجاوز نکند؛ «نبی» ای است که در خواب ببیند و صدا را بشنود و در بیداری او را نبیند و به سوی دیگری هم مبعوث نشده.

۳-۱) آغاز نبوت قبل از خلقت آدم ﷺ

یکی از عواملی که موجب شده تا این باور شکل گیرد که آغاز نبوت پیامبر ﷺ قبل از خلقت آدم ﷺ بوده، آیه ۷۵ سوره ص و روایات فراوان موجود در منابع شیعی و سنی است که همگی به مسئله تقدّم وجودی پیامبر اکرم ﷺ بر جمیع ممکنات اشاره دارند. زمانی که ابلیس بر آدم سجده نکرد، خداوند متعال فرمود: ﴿... يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي أَشْتَكَبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ: ای ابلیس، چه چیز تو را مانع شد تا برای چیزی که به دو دست خویش آفریده‌ام، سجده آوری؟ آیا تکبر نمودی یا از عالی مقامان بودی؟﴾

از این آیه شریفه، برمی آید که تنها دو گروه بر آدم ﷺ سجده نکردند: مستکبرین و آنان که عالی مقام بودند؛ لذا با این سؤال فهماند که ابلیس از عالی مقامان نبود؛ پس به یقین، از سر استکبار و عصیان سجده نکرده است. حال سؤال این است که این عالی مقامان چه کسانی اند؛ به یقین، اینان ملائک نیستند؛ چون طبق آیات قرآن کریم، همه ملائک مأمور به سجده بودند؛ لذا منظور از عالین کسانی اند که برتر از ملائک و برتر از آدم ﷺ هستند. روایات فراوانی در منابع شیعی و سنی وجود دارد که تأییدی بر این مدّعاست؛ از جمله: ابوسعید خدری گوید:

نزد رسول الله ﷺ نشسته بودیم. در این هنگام، مردی رو به آن حضرت نمود و گفت: یا رسول الله، مرا خبر ده از قول خدای عزّ و جلّ به ابلیس که ﴿أَشْتَكَبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ؟﴾ یا رسول الله، چه کسانی هستند اینان که برتر از ملائک مقرب اند؟



رسول الله ﷺ فرمودند: «ایشان من و علی و فاطمه و حسن و حسین هستیم. ما در سرپرده‌های عرش، خدا را تسبیح می‌کردیم و ملائک به تسبیح ما تسبیح می‌گفتند؛ دو هزار سال قبل از خلقت آدم. پس چون خدا آدم را آفرید، امر نمود ملائک را که بر او سجده نمایند و ملائک مأمور به سجده نشدند، مگر به خاطر ما. پس ملائک همگی سجده کردند؛ مگر ابلیس که از سجده سر باز زد. پس خداوند تبارک و تعالی فرمود: ﴿يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي أَشْتَكَبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ؟﴾ (بحرانی، ج ۴، ص ۶۸۴)

طرفداران این نظر روایات فراوان موجود در منابع عامه و خاصه که از مضامین مشابهی برخوردار بوده، ظاهر آنها صراحت در اعطای نبوت به پیامبر اسلام قبل از آفرینش آدم ﷺ دارد، مستمسک قرار داده‌اند که برخی از این روایات به این شرح می‌باشد: «كنت نبياً و آدم بين الماء و الطين.»؛ «كنت نبياً و آدم بين الروح و الجسد.»؛ «كنت نبياً و آدم منخول في طينته» (مجلسی، ج ۱۸، ص ۲۲۲؛ ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۱۸۳؛ فخر رازی، ج ۶، ص ۵۲۵)

بر مبنای این احادیث است که برخی از محققان زمان آغاز نبوت پیامبر ﷺ را قبل از آفرینش آدم دانسته‌اند. (الصالحی الشامی، ج ۱، ص ۹۶-۱۰۰) حتی برخی نیز به صراحت، بر این نکته تأکید دارند که: «و الحق أنه ﷺ لم يكن متعبداً بشريعة من قبله من الأنبياء و أنه ﷺ كان نبياً حين تولده بل حين كان الآدم بين الماء و الطين ثم صار بعد ذلك رسولا و أمر بان يدعو الناس بعد أربعين سنة.» (شبر، ج ۱، ص ۲۴۴-۲۴۶. نیز نک: ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۱۸۳)

برخی نیز بر این ادعایند که اگرچه نخستین فرد انسانی در زمین و اولین نبی آدم ﷺ بود و او و دیگر انبیاء تا آن هنگام که صورت جسمانی آنها خلق نشده باشد، متصف به صفت نبی نیستند، اما وجود روحانی نبی مکرم اسلام ﷺ بالفعل نبی بود و شرایع سایر انبیاء همان حکم نبوت وی بود که به دست آنها به مردم ابلاغ می‌شد

و پیامبران همگی نواب او بودند؛ همان‌گونه که در عالم دنیا هم پیامبر نمایندگانی را برای تبلیغ اسلام به شهرهای مختلف می‌فرستاد؛ لذا با این بیان، تمامی شرایع همان شریعت اسلام و شریعت نبی مکرم اسلام است و با ظهور صورت جسمانی وی، تمامی آنها نسخ شده‌اند (میلانی، ج ۵، ص ۲۲۳-۲۲۴)

در این نظریه، مطابق اخبار صحیحه، خداوند این کمال را به پیامبرش اعطا نموده که از همان بدو آفرینش، وجود نوری او دارای مقام نبوت باشد و مطابق آیات قرآن از تمامی انبیاء پیمان گرفته که او را پیامبر و نبی خود بدانند و اگر در زمان آنها ظهور کرد یاری‌اش کنند که در آن صورت، آنها نبی بر امت خود هستند و پیامبر نبی آنها و لذا پیامبر اسلام نبی الانبیاء است. (همان، ص ۲۵۰ و ۲۵۱)

همچنین در این باب، گفته شده که نبوت پیامبر اسلام از همان زمان اخذ پیمان از بنی آدم آغاز شده و تأخر زمانی وجود جسمانی او منافاتی با نبی بودن او ندارد. درست مانند آنکه کسی را حاکم و والی قرار دهند، ولی زمان آغاز حکومت او را در آینده و چند سال بعد تعیین کنند. این تأخر زمانی شروع حکومت منعی برای حاکم بودن او نیست. (همان، ص ۲۵۳)

مشابه این نظر از ابن عربی هم نقل شده که علم پیامبر به پیامبری خویش در همان زمان حاصل شده و دیگر انبیاء که به لحاظ زمانی مقدم بر او هستند، در واقع، نواب پیامبر می‌باشند. (ابن العربی، ج ۱، ص ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۶، ۲۴۳؛ ج ۲، ص ۱۰۸؛ ج ۳، ص ۲۲) ^۱ صحیحۀ احوال و دیگر روایات مشابه آن در بیان تفاوت نبی، رسول و محدث (نک: همان، ص ۲۶۶، روایت شماره ۲۷) در کنار روایات نقل شده از پیامبر ﷺ با این مضمون که «كنت نبياً و آدم بین الماء و الطین» یا «بین الروح و الجسد» و نیز اخبار فراوان موجود در خصوص آنکه ابراهیم علیهِ السلام قبل از آنکه امام باشد، خلیل بوده و قبل

۱. جالب آنکه ملاصدرا این روایت را حدیثی مشهور و شاهی بر وجود عالم مثل افلاطونی دانسته و گفته است: «و اعلم أنَّ المنقول من بعض القدماء كأفلاطون القول بقدم النفس الإنسانية، ویؤیده الحدیث المشهور: كنت نبياً و آدم بین الماء و الطین.» (شیرازی، ج ۹، ص ۳۳۱-۳۳۲)



از آن رسول و پیش از آن نبی و قبل از همه عبد خدا بوده است (مجلسی، ج ۱۲، ص ۱۲) همگی، دلالت دارد که نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قبل از شروع رسالت و دعوت رسمی ایشان بوده است.

۴-۱) آغاز نبوت از بدو طفولیت

تأکید برخی محققان بر تفاوت بین رسول و نبی و برتری مقام نبوت بر رسالت و اینکه هر رسولی قبل از آغاز دعوت رسمی خود از مقام نبوت برخوردار است (نک: عرب) و نیز مطالب مبسوطی که برخی دیگر درباره مهر نبوت و ماهیت آن و اینکه از ابتدای طفولیت پیامبر تا رحلت ایشان با وی همراه بوده (نفیسی) به طور ضمنی، دلالت بر تقدم نبوت بر رسالت و آغاز آن از بدو طفولیت پیامبر صلی الله علیه و آله دارد.

همچنین برخی دیگر تصریح دارند که بر اساس روایات، پیامبر قبل از آنکه رسول باشد، نبی بوده و نبوت او از زمان ولادتش آغاز گردیده است. (عاملی، خلفیات کتاب مأساة الزهراء علیها السلام، ج ۱، ص ۳۹۹-۴۰۲) افزون بر این، به اعتقاد برخی کلام امام علی علیه السلام در خطبه قاصعه که می فرمایند: «ولقد قرن الله به من لدن ان كان فطيماً أعظم ملك من ملائكته يسلك به طريق المكارم و محاسن أخلاق العالم ليلة و نهاره...» (شریف رضی، خ ۱۹۲؛ ابن ابی الحدید، ج ۱۳، ص ۲۰۱) بهترین دلیل بر تقدم نبوت پیامبر بر رسالت ایشان است؛ زیرا همان گونه که در متن این کلام آمده است، پیامبر صلی الله علیه و آله از همان بدو طفولیت به واسطه یکی از ملائکه بزرگ الهی، تحت تعلیم مستقیم خداوند بوده و مکارم اخلاق و محاسن آداب را از این طریق فراگرفته است و این چیزی جز معنای نبوت نیست. (مجلسی، ج ۱۸، ص ۲۷۸)

پیامبر صلی الله علیه و آله طبق نقلهای معتبر و آثار مستفیضه، قبل از بعثت، مؤید به روح القدس بوده و فرشته وحی با ایشان سخن می گفته است و پیامبر هم صدای آن ملک را می شنیده و در خواب او را می دیده و از همان طفولیت، به عبادت خداوند مشغول بوده است، ولی نوع این عبادت برای ما مشخص نیست؛ اما در چهل سالگی و پس



از آغاز دعوت رسمی و نزول قرآن، فرشته وحی را در بیداری هم مشاهده نمود.
در روایتی از امام باقر علیه السلام چنین نقل شده که عیسی علیه السلام - که در گهواره سخن
گفت - بر کسانی که سخن او را شنیدند حجّت بود و در همان هنگام از مقام نبوّت
برخوردار گشت؛ اما بعد از هفت سال مأمور به تبلیغ شد و به رسالت رسید. (کلینی،
ج ۱، ص ۳۸۲-۳۸۳)

همچنین روشن است که «آتانی الکتاب» دلالت بر آن دارد که دریافت کتاب در
زمان ماضی بوده است؛ یعنی موقفی قبل از زمان تکلم در گهواره و اگر بنا باشد
کلمات جعلی و آتانی را مربوط به آینده بدانیم، «جعلی مبارکاً» هم متعلّق به زمان
آینده خواهد بود و دلالت بر نفی برکت در زمان تکلم در گهواره خواهد داشت؛
حال آنکه حضرت عیسی علیه السلام در تمام احوال و لحظات زندگی خویش و نه فقط در
آینده مبارک است و اینکه عیسی بخواند بگوید من در آینده پیامبر خواهم شد و
کتاب به من عطا می شود، معنای نخواهد داشت و در آیه شریفه هم هیچ قرینه
حالیّه یا مقالیه ای برای حمل آن بر زمان مستقبل وجود ندارد (عاملی، خلفیات کتاب
مأساة الزهراء علیها السلام، ج ۱، ص ۳۸۳)؛ بلکه کلام او در کمال عقل و ثبوت تکلیف و حصول
نبوّت بود و ظاهر آیه هم بر همین نکته دلالت دارد. (مفید، ص ۱۲۵) علامه مجلسی با
توجه به این روایت و نیز روایات فراوانی که «إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَعْطِ نَبِيًّا فَضِيلَةً وَلَا كَرَامَةً وَلَا
مُعْجَزَةً إِلَّا وَقَدْ أَعْطَاهُ نَبِيُّنَا صلی الله علیه و آله» چنین استدلال می کند که چگونه ممکن است انبیای
گذشته در کودکی و از بدو تولد، نبی بوده باشند، اما پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که افضل از
ایشان است، تا سنّ چهل سالگی بی بهره از مقام نبوّت باشد. همچنین به نظر وی با
توجه به روایات فراوانی که در خصوص مقام ائمه اطهار علیهم السلام و خلقت نوری آنها و
احوال و کمالات ایشان در عالم اظله و میثاق رسیده است و اینکه قبل از خلق
آدم، این ذوات مقدّس در حجب نور به عبادت و تسبیح خدا اشتغال داشته و
ملائکه از ایشان تسبیح و تهلیل و تقدیس و... را فراگرفته اند و یا روایات مربوط به
خلقت نوری ایشان و نیز اخبار ولادت امیرالؤمنین علیه السلام و قرائت کتب آسمانی در بدو

ولادت و نیز پاسخگویی امام زمان علیه السلام به سؤالات مشکل شیعیان و اخبار از امور غیبی در زمان صباوت و هنگامی که در آغوش پدر خویش بودند و نیز فضایل دیگر ائمه، برای هیچ فرد عاقلی، جای شکّی باقی نمی ماند که پیامبر اکرم که افضل انبیاء است، قطعاً قبل از آغاز رسالت در سنّ چهل سالگی، متعبد به دستورهای الهی و برخوردار از مقام نبوّت بوده و تمامی این فضائل را داشته است. علاوه بر این، اخباری که در خصوص ولادت پیامبر صلی الله علیه و آله و اظهار نبوّت توسط ایشان در همان بدو تولد رسیده نیز تأیید دیگری بر این مدّعاست. (مجلسی، ج ۱۸، ص ۲۷۹)

در این خصوص، گرچه برخی گفته اند این امر جنبه عمومی نداشته و به حسب شرایط و موقعیت آن زمان بوده است و نبود آن برای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله منقصتی به شمار نمی آید، اما دلیلی هم برای نفی اعطای نبوّت در کودکی به رسول خدا نیست. همچنین بر فرض آنکه از بدو طفولیت تا زمان رسیدن به بلوغ را نادیده بگیریم، اما پس از آن، هر مکلفی باید به دستورهای الهی عمل کند. هیچ زمانی این تکلیف از کسی برداشته نمی شود؛ از این رو، لازم است تا پیامبر صلی الله علیه و آله در آن هنگام نبی بوده و عامل به شریعت خود باشد و یا اینکه از شریعت انبیای پیش از خود تبعیت کند. پس اگر بر این باور باشیم که قبل از شروع دعوت رسمی در سنّ چهل سالگی، هیچ وحیی به پیامبر صلی الله علیه و آله نشده و پیامبر در آن هنگام نبی نبوده، با توجه به آنکه طبق اخبار متواتره خداوند در هیچ زمانی زمین را خالی از حجّت قرار نداده است و در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله هم اوصیاء عیسی و ابراهیم علیه السلام بوده اند، لازم است تا ایشان از اوصیای عیسی علیه السلام - بر فرض جهانی بودن دین مسیح علیه السلام - یا اوصیای ابراهیم علیه السلام تبعیت کند و آنها حجّت بر پیامبر باشند، اما این فرض به دو دلیل ممکن نیست. نخست آنکه پیامبر افضل از آنان است و دوم آنکه ابوطالب و غیر او نمی توانند حجّت بر پیامبر صلی الله علیه و آله باشند و تنها مستودع وصایای نبوّت بوده اند. (نک: مجلسی، ج ۱۷، ص ۱۴۰ و ج ۳۵، ص ۷۳)

حدیث شق صدر

یکی از دلایل کسانی که آغاز نبوت رسول خدا را بدو طفولیت می دانند، استناد به حدیث شق صدر است که با تفاوت هایی در ذکر سن پیامبر و مواضع روی دادن این حادثه، نقل شده است.^۱ این جریان در منابع سیره و تاریخ به عنوان یکی از معجزات پیامبر ﷺ ذکر شده و فضیلتی برای ایشان به شمار آمده است و آن را از امور خارق العاده ای دانسته اند که باید در مقابل آن تسلیم بود و به آن ایمان داشت و آن را از امور محال ندانست؛ زیرا راویان این حدیث از جمله ثقات و مشاهیر دانسته شده اند؛

این جریان بر طبق نقل هایی که وجود دارد، یکبار در زمان طفولیت پیامبر و بار دیگر در سن ۱۰ سالگی و دیگر بار در سن حدود ۵۰ سالگی و شب معراج روی داده است و این تکرار از باب فضیلت و شرف برای وی است. این کارگرچه شاید در آن زمان محال به نظر می رسید، اما امروزه در بسیاری از جراحیها مشابه آن انجام می شود و کاری است در حد قدرت بشر و اگر بشر بتواند چنین کاری انجام دهد، به طریق اولی، این امر از سوی عوامل آسمانی امکان پذیر است و استبعادی ندارد. (ابن حبان، ص ۳۷، پاورقی)

اما داستان شق صدر به اجمال، چنین است که روزی پیامبر در دوران طفولیت و هنگامی که خارج از مکه و در قبیله بنی سعد بود، به ناگاه جبرئیل فرود می آید و شکافی در سینه وی ایجاد می کند و قلب پیامبر ﷺ را در تشتی از آب زمزم شستشو می دهد تا بهره شیطان از آن پاک شود. راوی این ماجرا که انس است، می گوید: من اثر این خط را در سینه پیامبر مشاهده کردم. این حدیث را بیشتر منابع عامه نقل کرده اند. (ابن حبان، ج ۱۴، ص ۲۴۲-۲۵۰؛ بیهقی، ص ۵ و ۷ و ۸؛ ابن هشام، ج ۱، ص ۲۰۱-۲۰۳، ابن

۱. برخی از دانشمندان اهل سنت این جریان را برای شب معراج نیز ذکر کرده اند. (نک: ابن حبان، ج ۳، ص ۳۴)



ابی‌الحدید، ج ۱۳، ص ۲۰۵-۲۰۶) و حتّی تألیفات مستقلّی هم درباره این جریان نگاشته شده است.^۱ (نک: البغدادی، اسماعیل باشا، ایضاح المکنون، ج ۲، ص ۶۷۵؛ همو، هدیه العارفین، ج ۱، ص ۶۵۶؛ کحالة، ج ۶، ص ۲۵۰)

در برخی منابع، ابوهریره تنها فردی است که از رسول خدا درباره نخستین چیزی که با آن نبوّت آغاز شد سؤال می‌کند و می‌گوید: «یا رسول الله! ما أوّل ما ابتدئت به من أمر النبوة؟» و پیامبر هم در پاسخ، جریان شق صدر را برای او تعریف می‌کنند.^۲ (المقریزی، ج ۳، ص ۳۷-۳۳) این جریان چنان مسلّم فرض شده که برخی حتّی اشعاری درباره آن سروده‌اند و معتقدند که این جریان در طول عمر پیامبر ﷺ سه تا پنج بار تکرار شده است. (ابوریه، ص ۱۸۷، به نقل از ابن‌هشام)

همچنین غالب مفسران در ذیل آیات سورة انشراح این داستان را ذکر کرده و دلائلی را در قبول یا رد آن مطرح نموده‌اند. از جمله، علامه طباطبایی آن را از باب مثل و نه حقیقت، جایز دانسته‌اند. (طباطبایی، ج ۲۰، ص ۳۱۷) و دیگرانی هم که این قصّه را در کتاب تفسیر خود آورده‌اند، در توجیه آن چنین گفته‌اند که بر فرض پذیرش صحّت چنین روایتی، نمی‌توان منظور از آن را قلب جسمانی دانست و مدلول آیه شرح صدر، مفهومی وسیع و گسترده دارد که این رویداد بر فرض صحّت، تنها مصداقی از آن محسوب می‌شود. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۲۳)

نقد

محقّقان و تحلیل‌گران تاریخ اسلام (العاملی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۲، ص ۸۳-۹۰؛ پیشوایی، ص ۱۰۶) به دلائل متعدّد این موضوع را دور از واقعیت و از مجعولات می‌دانند. از جمله آنکه این روایتها به لحاظ متن، دچار نوعی اضطراب و

۱. النقل المتین فی شق صدر النبی الامین، عثمان بن أحمدین موسی الضجاعي الحکمی (م حدود ۹۸۶).

۲. مشابه همین روایت به ابوذر هم نسبت داده شده است. (مقریزی، ج ۳، ص ۳۴)

چندگونگی نقل هستند و به علاوه به لحاظ سندی هم قابل مناقشه اند. (یوسفی غروی، ج ۱، ص ۲۶۵)

همچنین چگونه ممکن است منبع تمامی شرور غده یا لخته خونی در قلب باشد که با برداشتن آن انسان به یک فرد متقی و معصوم تبدیل شود. آیا در این صورت، عصمت امری جبری نخواهد بود که با یک جراحی تمام بدیها از پیامبر دفع شده باشند؟ و اگر قرار است با برداشته شدن این غده تمامی شرور برطرف شوند، دیگر چه نیازی به تکرار این کار و حتی در زمانی پس از بعثت است؟ آیا خداوند نمی‌توانست از ابتدا پیامبرش را بدون وجود چنین چیزی در قلب او خلق کند تا دیگر نیازی به این جراحی دردناک نباشد؟ و آیا این داستان با افضلیت پیامبر بر تمامی دیگر انبیاء منافات ندارد؟ ضمن آنکه اصل این جریان برگرفته از اسطوره‌های دوران جاهلیت است. (عاملی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، ص ۸۶ و ۸۸-۹۰) همچنین برخی از دانشمندان معاصر اهل سنت، از جمله محمود ابوریه، در کتاب *اضواء علی السنه المحمدیه* به شدت، به رد آن پرداخته و این قبیل روایات را از جمله اسرائیلیات و ساخته و پرداخته علمای اهل کتاب دانسته است.

معتقدان به حدیث شق صدر آیا به آیات قرآن توجه نکرده‌اند؟! به ویژه آنچه در سوره حجر آمده که خداوند به شیطان می‌فرماید تو بر بندگان مخلص من تسلط نداری. (حجر (۱۵) / ۴۲؛ اسراء (۱۷) / ۶۵) با این بیان آیه شریفه دیگر چه جای نفوذی برای شیطان در پیامبر می‌ماند تا نیاز به شق صدر و خارج کردن تأثیرات شیطانی از قلب پیامبر باشد؟ بر فرض هم که این حدیث صحیح باشد، خبر واحد است و با احادیث متواتری که مفید یقین است، در تعارض می‌باشد. (ابوریه، ص ۱۸۸) ابوریه به نقل از استاد خود محمد عبده چنین می‌گوید که: برای ما مسلم است که شیطان بر بندگان مخلص خدا که نبی مکرم اسلام برترین آنان است، تسلط ندارد و آنچه در احادیث مبنی بر اسلام شیطان پیامبر به دست ایشان و یا زوده شدن بهره شیطان از

سینه پیامبر (حدیث شق صدر) و مانند آن آمده، همگی اخبار ظنی و آحاد است و به دلیل آنکه ایمان به این اخبار، از مقوله ایمان به غیب و عقایدی است که نباید در آن به اخبار ظنی عمل کرد، ما مکلف به اخذ این احادیث در عقاید خود نیستیم (ابوریه، ص ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۸۷، ۱۸۵، ۱۸۶ و ۱۸۸)

خاتمه و نتیجه گیری

نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از سنّ چهل سالگی آغاز گردید و مدّتی بعد با نزول آیه «فاصدع بما تؤمر» دعوت علنی و رسالت ایشان پایه گذاری گردید؛ اگرچه ایشان از بدو طفولیت مؤید به روح القدس و تأییدات الهی بوده اند. درباره آیین پیامبر اکرم قبل از بعثت نیز می توان گفت که، ایشان در این دوران بر آیین حنیف ابراهیم علیه السلام بوده اند و نه یهودی و مسیحی، زیرا حضرت مسیح علیه السلام پیامبر بنی اسرائیل بوده و دین او برخلاف آیین حنیف ابراهیم، دینی جهانی و فراگیر نبوده است.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. ابن ابی الحديد. شرح نهج البلاغه. تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم. قاهره: دار إحياء الكتب العربية، ۱۹۶۱ م.
۲. ابن حبان. صحيح ابن حبان. تحقيق شعيب الأرنؤوط. مؤسسة الرسالة، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق/ ۱۹۹۳ م.
۳. ابن سعد. الطبقات الكبرى. بيروت: دار للطباعة و النشر، ۱۴۰۵.
۴. ابن شهر آشوب. مناقب آل ابی طالب. قم: المطبعة العلمية.
۵. ابن فارس، أبو الحسن أحمد. معجم مقاييس اللغة. تحقيق عبدالسلام محمد هارون. مكتبة الإعلام الاسلامي، ۱۴۰۴.
۶. ابن كثير. البداية و النهاية. بيروت: دارالمعرفة، چاپ چهارم، ۱۴۱۹ق/ ۱۹۹۸ م.
۷. ابن عربي. الفتوحات المكية. بيروت: دار صادر - دار إحياء التراث العربي.
۸. ابن منظور. لسان العرب. قم: أدب الحوزة، ۱۴۰۵.
۹. ابن هشام. السيرة النبوية. تحقيق و تعليق و شرح و فهرس مصطفى سقا و ابراهيم ابياري و عبدالحفيظ شلبي. بيروت: دار احياء التراث العربي، چاپ سوم، ۱۴۲۱ ق.
۱۰. ابوريث، محمود. أضواء على السنة المحمدية. نشر البطحاء، الطبعة الخامسة، مزودة محققة.
۱۱. بازرگان، مهدي. پا به پای وحی: تفسير تدبري قرآن بر حسب نزول. [بی تا].
۱۲. بحرانی، سید هاشم. البرهان في تفسير القرآن. تحقيق قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة. تهران: بنياد بعثت، ۱۴۱۶.
۱۳. بغدادی، اسماعیل باشا. إيضاح المكنون. تصحيح رفعت بيلگه الكليسي. بيروت: دار إحياء التراث العربي.
۱۴. ———. هدية العارفين. بيروت: دار إحياء التراث العربي.
۱۵. بيهقي، ابوبكر احمد بن حسين. السنن. بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۰۵.
۱۶. پيشوايي، مهدي. تاريخ اسلام از جاهليت تا رحلت پيامبر اسلام ﷺ. قم: دفتر نشر معارف، چاپ سوم، ۱۳۸۳ ش.



۱۷. جوادى آملی، عبدالله. تفسیر موضوعی قرآن: سیره علمی و عملی حضرت رسول اکرم ﷺ. قم: نشر اسراء، ۱۳۷۴ ش.
۱۸. خرازی، سید محسن. *بداية المعارف الإلهية في شرح عقاید الإمامية*. بیروت: دارالمیزان، ۱۴۱۲.
۱۹. رسولی محلاتی، هاشم. بحوث حول بعثة رسول الله ﷺ، *مجموعه مقالات کنگره شیخ مفید*، شماره ۱۱.
۲۰. رهبری، حسن. آغاز نبوت و چگونگی نزول قرآن. *نشریه پژوهشهای قرآنی*، شماره ۴۶ و ۴۷، تابستان و پائیز ۱۳۸۵.
۲۱. سبحانی، جعفر. *الإلهيات على هدى الكتاب والسنة والعقل: محاضرات الأستاذ الشيخ جعفر السبحاني*. به کوشش حسن مکی عاملی. بیروت: الدار الإسلامية، ۱۴۱۰.
۲۲. _____ . *أضواء على عقائد الشيعة الإمامية*. قم: مؤسسة الإمام الصادق عليه السلام، چاپ اول، ۱۴۲۱.
۲۳. _____ . *راز بزرگ رسالت*. تهران: کتابخانه مسجد جامع تهران، ۱۳۵۸.
۲۴. _____ . *منشور جاوید*. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۷۵.
۲۵. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر. *الاتقان في علوم القرآن*. تصحیح محمد سالم هشام. تهران: ذوی القربی، ۱۴۲۲.
۲۶. شبر، سید عبدالله. *حقّ اليقين في معرفة أصول الدين*. بیروت: دارالأضواء.
۲۷. شیرازی، صدر الدین محمد. *الحكمة المتعالية في الأسفار العقلية الأربعة*. بیروت: دار إحياء التراث العربی. چاپ سوم، ۱۹۸۱ م.
۲۸. صالحی شامی، محمد بن یوسف. *سبل الهدى والرشاد في سيرة خير العباد*. تحقیق مصطفی عبدالواحد. قاهره: وزارة الأوقاف.
۲۹. طباطبایی، سید محمدحسین. *الميزان في تفسير القرآن*. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات. چاپ دوم، ۱۳۹۴.
۳۰. عاملی، سید جعفر مرتضی. *الصحيح من سيرة النبي الأعظم ﷺ*. بیروت: دارالهادي للطباعة و النشر و التوزيع، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ ق / ۱۹۹۵ م.
۳۱. _____ . *خلفيات كتاب مأساة الزهراء عليها السلام*. بیروت: دار السيرة، چاپ پنجم، ۱۴۲۲.

۳۲. عرب، مهین. ولایت و نسبت آن با نبوت و رسالت: با تکیه بر آراء سید حیدر آملی. *نشریه ندای صادق علیه السلام*، شماره ۲۳، پاییز ۱۳۸۰.
۳۳. علم الهدی، علی بن حسین سید مرتضی. *الذریعة إلى أصول الشريعة*. تحقیق گروه علمی مؤسسه امام صادق علیه السلام با اشرف جعفر سبحانی. قم: ۱۴۲۹.
۳۴. _____ . *الذریعة إلى أصول الشريعة*. تصحیح و تقدیم و تعلیق ابوالقاسم گرجی. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۸ ش.
۳۵. عمر کحالة. *معجم المؤلفین*. بیروت: مکتبة المثنی و دار احیاء التراث العربی.
۳۶. فخر رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر. *مفاتیح الغیب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ ق.
۳۷. قمی، شیخ عباس. *سفینه البحار و مدینه الحکم والآثار*. تهران: دارالاسوة للطباعة و النشر، چاپ پنجم، ۱۴۲۸.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب. *الکافی*. تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری. تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ پنجم، ۱۳۶۳ ش.
۳۹. کمره ای، میرزا خلیل. *افق وحی*. تهران: چاپخانه اسلامی، ۱۳۴۷ ش.
۴۰. مجلسی، محمد باقر. *بحار الأنوار: الجامعة لدرر أخبار أئمة الأطهار علیهم السلام*. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۴۱. مقدسی، مطهر بن طاهر. *البدء و التاریخ*. منسوب به ابوزید احمد بن سهل بلخی. مکتبة الثقافة الدینیة.
۴۲. مکارم شیرازی، ناصر. *پیام قرآن*. قم: مدرسه الإمام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۷۷.
۴۳. _____ . *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الإسلامية، چاپ بیست و هفتم، ۱۳۷۷.
۴۴. مطهری، مرتضی. *خاتمیت*. تهران: صدرا، چاپ هشتم، ۱۳۷۴.
۴۵. محقق حلی، نجم الدین ابی القاسم جعفر بن الحسن بن یحیی بن سعید الهذلی صاحب الشرایع، *معارج الاصول*. اعداد: رضوی، محمد حسین؛ الطبعة الاولى، ۱۴۰۳، مؤسسه آل البيت علیه السلام للطباعة و النشر، قم.
۴۶. مقریزی. *إمتاع الأسماع*. تحقیق و تعلیق محمد عبدالحمید النمسی. بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۲۰/۱۹۹۹ م.

۴۷. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن. **قوانین الأصول**. چاپ سنگی قدیم.
۴۸. نفیسی، ابوتراب. تحقیق درباره ماهیت «مهر نبوت» حضرت خاتم الانبیاء محمد بن عبدالله ﷺ، **نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مشهد**، شماره ۱۵، تابستان ۱۳۵۴.
۴۹. یوسفی غروی، محمد هادی. **موسوعة التاريخ الإسلامی، العصر النبوی، العهد المکی**. قم: مجمع الفكر الاسلامی، مؤسسه الهادی، ۱۴۱۷ ق.
۵۰. میلانی، سید علی. **نفحات الأزهار فی خلاصة عبقات الأنوار للعلم الحجة آية الله السيد حامد حسين اللکهنوی**. ۱۴۱۴.
۵۱. مفید. **أوائل المقالات**. تحقیق شیخ ابراهیم انصاری. بیروت: دار المفید للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ - ۱۹۹۳ م.
۵۲. نمازی شاهرودی، علی. **مستدرک سفینه البحار**. تحقیق و تصحیح شیخ حسن بن علی نمازی. قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ۱۴۱۹.

منابع دیجیتال

۱. سایت مجلات تخصصی نور
۲. نرم افزار جامع التفاسیر
۳. نرم افزار مکتبه اهل البيت (ع)
۴. نرم افزار دانشنامه نبوی
۵. نرم افزار معجم موضوعی بحار الانوار
۶. نرم افزار جامع الاحادیث
۷. نرم افزار نورالفقاهه
۸. سایت پژوهشکده باقر العلوم
۹. سایت پرسمان دینی
۱۰. سایت اعتقادات